

تأثیر و پیوند میان مقررات تجاری انرژی و سازمان تجارت جهانی

حاتم صادقی زیازی*

استادیار گروه حقوق دانشگاه پیام نور واحد تهران

منصور پورنوری

استادیار گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

سولماز صادقی

دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱/۱۸ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۱۲/۱۶)

چکیده

توسعه اقتصادی و تجارت بین‌المللی، به شکل‌گیری یک نظام اقتصادی به هم وابسته جهانی انجامید که هم‌اکنون با توجه به پیشرفت جوامع بشری و نیازهای اساسی مردم، در حال تبدیل شدن به نظام واحد جهانی است؛ و در این میان، نهادهای بین‌المللی نقش فراوانی را ایفا کرده‌اند. اگر قوانین تجاری شفاف و قابل پیش‌بینی باشند، می‌تواند هم‌زمان منافع کشورهای واردکننده و صادرکننده انرژی را تأمین کند. در واقع، جهانی شدن تجارت انرژی به واسطه سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی، مقررات‌زدایی در بازارهای داخلی کشورها و ارتباط نوین بخش انرژی کشورها با اقتصاد سیاسی جهان، موجب افزایش اهمیت و جایگاه آن در روابط اقتصادی میان کشورها شده است. مقاله پیش‌رو، بیانگر گسترش پوشش نظام چندجانبه تجارت جهانی، ایجاد سازمان جهانی تجارت و تغییر و تحول در ماهیت تجارت محصولات انرژی در جهان است و کوشیده تا مشخص کند آیا محصولات انرژی متفاوت از دیگر محصولات هستند و نیاز به قوانین خاص تجارتی دارند؟ همچنین موانع وضع مقررات در تجارت انرژی سازمان تجارت جهانی را با توجه به ویژگی‌های انواع مختلف انرژی بررسی کند.

واژگان کلیدی

تجارت انرژی، جهانی شدن، سازمان تجارت جهانی، نظام چندجانبه.

مقدمه

تجارت انرژی سال‌ها به عنوان موردی ویژه از تجارت بین‌المللی و متفاوت از سایر بخش‌ها و تولیدات در نظر گرفته می‌شد. چالش‌هایی که پیش روی تجارت انرژی است، سبب افزایش آزادسازی تجاری، فعالیت اقتصادی و به‌دنبال آن مصرف سوخت خواهد شد. هرچند همه کشورهای نیاز به منابع انرژی دارند، اما منابع آن در اختیار شمار اندکی از کشورهاست. از این رو، تجارت انرژی، امری حیاتی برای جهان است.

جهانی شدن سازمان‌های بین‌المللی و معاهدات، به تقویت مجموعه قوانین، رویه و اصول انجامیده است. پس از ایجاد سازمان تجارت جهانی در ژانویه ۱۹۹۵، با توجه به اینکه انرژی و محصولات آن، عناصر اساسی تجارت جهانی هستند، سعی شده تا تمام اصول گات و تجارت خدمات را گسترش دهد. انتظار می‌رود پیشرفت‌های بیشتر در زمینه فناوری‌های تجدیدپذیر، ابعاد جدیدی را در تجارت انرژی در سطوح چندجانبه ایجاد کنند. افزون بر این، تجارت انرژی، نه به وسیله قوانین مناسب و مقررات ویژه تجارت انرژی، نه به وسیله قوانین غیررسمی نوشته‌شده و یا قوانین شفاف، کنترل می‌شود. در واقع، تجارت انرژی دهه‌ها از طریق روابط بین دولت‌ها مدیریت شده که تحت تأثیر ملاحظات سیاسی و دیپلماتیک بوده است. این روش تجاری که بیشتر سیاسی بوده تا قانونی، باعث فقدان شفافیت، اطمینان و ثبات و قابل پیش‌بینی شدن آن گردیده است. پرسش اصلی این مقاله، نحوه اعمال مقررات سازمان تجارت جهانی درباره مسائل مربوط به انرژی و بررسی مقررات حاکم بر بخش انرژی در این سازمان است. به همین منظور، نخست چارچوب بین‌المللی مقررات انرژی بررسی شده و در ادامه، به مقررات و موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی در زمینه تجارت جهانی، ویژگی‌های منابع انرژی و محصولاتی که آن‌ها را از دیگر کالاها متمایز می‌کند، و مسائل مربوط به سرمایه‌گذاری انرژی و تجارت در خدمات انرژی، پرداخته شده است.

۱. عرضه و تقاضای انرژی جهانی

نظام عرضه و تقاضای انرژی در سطح جهانی، به هم آمیخته و دارای وابستگی متقابل است و آثار آن نیز محدود به مرزهای جغرافیایی نیستند. در واقع، عرضه و تقاضای انرژی آثار جهانی داشته و تأثیرات گوناگونی دارد که سبب شده تا نظام تجارت بین‌المللی، به طور فزاینده‌ای بر تجارت انرژی تأکید نماید.

تجارت انرژی همواره با چالش‌های بی‌سابقه‌ای روبه‌رو بوده است که معمولاً ریشه در تنش‌های میان توسعه تجارت و افزایش رشد اقتصادی دارد؛ برای مثال، از سوی، ارتقای کارایی منابع انرژی و از سوی دیگر، حفاظت از محیط زیست، یکی از چالش‌های آن بوده

است. طبق چشم‌اندازی که آژانس بین‌المللی در سال ۲۰۱۰ از تجارت انرژی ارائه کرده، بیشترین نگرانی‌های این تجارت، به عرضه و تقاضای انرژی بازمی‌گردد. این نگرانی‌ها به طور متقابل با معیارهای مختلف شامل رشد اقتصادی، مصرف انرژی کشورهای پیشرفته و در حال رشد، در دسترس بودن منابع انرژی، کارایی و ماندگاری انرژی، ثبات و نوسان قیمت‌های انرژی در بازارهای بین‌المللی، ثبات مالی یا بحران‌ها، سرمایه‌مورد نیاز برای سرمایه‌گذاری به-منظور کشف و تولید انرژی، مسائل ژئوپولیتیکی، ثبات سیاسی و یا بی‌ثباتی مرتبط هستند (Walde & Gunt, 2012: 125).

کشورهای صادرکننده نفت در برابر نوسانات قیمت نفت آسیب‌پذیر هستند. این امر در طول بحران بین سال‌های ۱۹۹۸-۱۹۹۹ نمایان بود. زمانی که قیمت‌ها به ده دلار آمریکا در هر بشکه کاهش یافته بود، این تجربه سبب شد بیشتر کشورهای صادرکننده انرژی، اصلاحات اقتصادی را با هدف متنوع ساختن بخش‌های داخلی و کاهش اتکا به نفت آغاز کنند. افزون بر این، در الحاق عربستان سعودی به سازمان تجارت جهانی فشار بیشتری برای اصلاحات داخلی ایجاد شده است. منابع گازی توزیع گسترده‌تری در سطح جهان دارند؛ هرچند بیشتر ذخایر آن در خاورمیانه (۳۴ درصد از کل جهان)، اروپا و اتحاد جماهیر شوروی سابق (۴۲ درصد از کل ذخایر جهان) قرار گرفته است. در واقع، سه کشور روسیه، ایران و قطر، بالغ بر ۵۵ درصد از ذخایر گاز را در اختیار دارند. با این حال، آمریکا سه درصد از کل ذخایر جهان را داراست، آفریقا و شرق دور پانزده درصد و آمریکای جنوبی و مرکزی چهار درصد. نیم‌کره غربی تقریباً از نظر گاز طبیعی خودکفاست؛ به جز مقدار کمی گاز مایع که از الجزایر، استرالیا و امارات متحده عربی به آمریکا وارد می‌شود (Hochman, et. al, 2015: 203).

با توجه به افزایش تقاضایی که در تجارت بین‌المللی گاز، پیش‌بینی می‌شود، انتظار می‌رود این تقاضا در سال ۲۰۳۰، از ۲۲ درصد به ۴۰ درصد برسد. این مسئله:

اول) به دلیل افزایش وابستگی برخی از بازارهای مهم به واردات است؛

دوم) به دلیل افزایش رقابت میان مصرف‌کنندگان، به‌ویژه کشورهای آسیایی است که رشد سریع اقتصادی دارند^۱. بزرگ‌ترین چالش، سرمایه‌مورد نیاز در اقتصادهای انتقالی و کشورهای در حال توسعه است؛ زیرا خطرات سرمایه‌گذاری در این کشورها بسیار بالاست. سرمایه‌گذاری خصوصی، منوط به ایجاد چارچوب سرمایه‌گذاری جذاب خواهد بود. آژانس بین‌المللی انرژی در سال‌های اخیر، به دلیل رشد هزینه‌های تولید اندک کشورهای غیر اوپک و افزایش سهم تعداد کمی از کشورهای بزرگ صنعتی و ظرفیت پایین‌تر تولید مازاد، یک روند افزایش آرام قیمت را برای نفت و گاز پیش‌بینی کرده است (Tacoa, 2003: 34).

1. <http://www.opec.org/English/res/e/statis/e/its2015/web/2335.htm>

این قیمت‌ها می‌توانند آثار مطلوبی بر اجرای سیاست‌های کاهش آلودگی هوا و انتشار گازهای گلخانه‌ای و نیز افزایش امنیت انرژی داشته باشند. افزایش بهره‌وری انرژی و ارتقای انرژی‌های تجدیدپذیر، برخی از مسائلی هستند که باید در آینده در زمینه انرژی پایدار، مورد بررسی قرار گیرند؛ درحالی‌که مشکلات مربوط به آلودگی نیز ممکن است در چارچوب ملی مورد توجه قرار گیرد. در نتیجه، همکاری بین‌المللی، به‌ویژه برای مسائل جهانی مثل گازهای گلخانه‌ای، بسیار ضروری است. برای مدت‌های طولانی، انرژی کالای راهبردی مهمی بوده که در چارچوب سیاسی، یک کالای ویژه دیده می‌شد؛ بدون اینکه به‌طور خاصی مورد توجه موافقت‌نامه‌های بین‌المللی باشد. در آغاز، استنباط مشترکی مبنی بر اینکه قواعد گات در تجارت انرژی اعمال نمی‌شود، وجود داشت؛ زیرا تا دهه ۱۹۸۰ بسیاری از کشورهای تولیدکننده انرژی، هنوز طرف قرارداد گات^۱ نبودند.

این مسئله، به‌ویژه درباره کشورهای درحال توسعه‌ای که سرشار از منابع انرژی هستند، قابل درک بود؛ زیرا مانعی برای ورود کالاهای اصلی صادراتی آن‌ها به بازار بین‌المللی، وجود نداشت. از سوی دیگر، پذیرش قرارداد گات، آن‌ها را ملزم به پذیرش تعهدات الزام‌آور متعدد و گشودن بازارهای داخلی می‌کرد؛ درحالی‌که مشوق‌های زیادی برای رعایت این تعهدات از سوی کشورهایی که تنها یا مهم‌ترین کالاهای صادراتی آن‌ها انرژی بود، وجود نداشت. کشورهای دارای انرژی هم‌زمان با صنعتی شدن، صنایع پایین‌دستی خود را توسعه دادند که اغلب براساس فرایند تولیدشان و نتیجه استفاده از انرژی بود (Selivanorva, 2016: 8).

۲. سازمان تجارت جهانی

سازمان تجارت جهانی^۲ در سال ۱۹۹۴، در توافق مراکش تأسیس و در ژانویه ۱۹۹۵ جایگزین گات گردید. نتایج جلسات اروگوئه، به ایجاد سازمان تجارت جهانی، به عنوان یک سازمان پیشرفته بین‌المللی و با ساختار معاهدات انجامید که شامل سی توافق قانونی و تصمیمات تکمیلی بود. تمامی اعضا متعهد به توافقات ضمنی، به استثنای توافقات چندجانبه شدند (Timothy, 2016: 106).

هدف اصلی سازمان، کمک به صادرکنندگان، واردکنندگان و تولیدکنندگان کالاها و خدمات برای تجارت آزاد و رفع موانع آن‌هاست؛ البته تا جایی که آثار منفی در پی نداشته باشد. اما هم‌زمان نیز به دولت‌ها اجازه می‌دهد تا اهداف اجتماعی و زیست‌محیطی خود را اجرا و دنبال کنند. تشکیل سازمان تجارت جهانی، تحولی مهم در قرن بیستم بود که اهمیت آن

1. General Agreement on Tariffs and Trade (GATT)

2. World Trade Organization (WTO)

کمتر از سازمان ملل متحد نیست. این سازمان، کشورهای عضو را متعهد به انجام روابط تجاری براساس قوانین تنظیم شده می‌نماید. همچنین می‌کوشد آن‌ها را از تکیه بر قدرت اقتصادی و منافع صرفاً ملی منصرف سازد. زمانی که صدها کشور متعهد شوند در روابط تجاری خود از اصول تبعیت کرده و دعاوی تجاری خود را براساس آن مطرح و حل و فصل کنند و تنها منافع کوتاه‌مدت خود را در نظر نگیرند، می‌توان گفت موفقیت بزرگی در عرصه بین‌المللی کسب کرده است. البته این سازمان نیز کاستی‌هایی دارد که ممکن است مشکلاتی را به وجود آورد (امیدبخش و همکاران، ۱۳۸۵: ۲۸).

۳. مقررات و موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی درباره انرژی

مسئله انرژی، موضوع جدیدی در سازمان تجارت جهانی نیست و مسائل مربوط به آن بارها در طول مذاکرات سازمان، مورد بحث قرار گرفته است. البته در موافقت‌نامه گات، قوانین مشخصی درباره تجارت انرژی وجود ندارد که ممکن است به علت عدم مشارکت اولیه صادرکنندگان انرژی در گات باشد. افزون بر این، به دلیل ماهیت راهبردی محصولات انرژی، موضوع جنبه سیاسی یافته و ملاحظات امنیتی تا اندازه زیادی تحت تأثیر سیاست‌های تجاری قرار گرفته است (Gibb, 2003: 83).

بعدها برخی از کشورها کوشیدند با ایجاد قید و شرط‌هایی در موافقت‌نامه گات، افزایش محدودیت در زمینه صدور انرژی از سوی صادرکنندگان آن را کاهش دهند (امیدبخش و همکاران، ۱۳۸۵: ۵۹).

در دهه ۱۹۸۰، دیگر بار مسائل مربوط به انرژی در تجارت بین‌المللی مورد بحث قرار گرفت و واردکنندگان انرژی در مذاکرات تجاری چندجانبه که در اروگوئه برگزار شد، عملکردهای محدودکننده کشورهای صادرکننده را مورد بحث و بررسی قرار دادند. بخش‌هایی که اعضای سازمان تجارت جهانی در زمینه سیاست‌های انرژی کشورهای صادرکننده مورد بررسی قرار دادند، عبارت‌اند از: شیوه‌های قیمت‌گذاری دوگانه و یارانه‌های حاصل از آن‌ها، قیمت‌شکنی معکوس محدودیت‌های صادرات و مالیات‌های صادرات، و مشکلات مربوط به جابه‌جایی محصولات منابع طبیعی به وسیله جایگزین‌ها. مسئله مهمی که در طول مذاکرات مطرح شد، این بود که آیا سیاست‌های قیمت‌گذاری برای منابع طبیعی به‌طور مستقیم با یارانه‌های جبران‌کننده قابل مقایسه‌اند؟ همچنین، برخی کشورها کوشیدند با گسترش دامنه مذاکرات به محصولات مبتنی بر منابع طبیعی، محصولات انرژی مانند نفت، گاز طبیعی و اورانیوم را نیز پوشش دهند (Stewart, 2004: 9).

درواقع، تأثیری که عملکرد دولت‌ها در زمینه انرژی بر منابع طبیعی می‌گذارند، آن را تبدیل به موضوعی حساس و بحث‌برانگیز کرده است؛ زیرا این مسئله ارتباط نزدیکی با حاکمیت دولت‌ها و منابع طبیعی آن‌ها دارد. همچنین سیاست‌های قیمت‌گذاری منابع طبیعی و این مسئله که آیا چنین سیاستی را می‌توان به عنوان شکلی از کمک مالی به صادرات یک کشور دانست، تبدیل به موضوع بحث و حتی رویارویی میان کشورها شد (Nancy, 1989: 64).

بنابراین، در مذاکرات اروگوئه، با وجود تلاش‌های فراوان برای تنظیم مقررات خاص مربوط به منابع طبیعی، از جمله انرژی، هیچ موافقت‌نامه‌ای ایجاد نشد. هرچند در حال حاضر، برخی از صادرکنندگان انرژی، از اعضای سازمان تجارت جهانی هستند؛ اما همچنان بخش اعظم تجارت انرژی، خارج از سازمان تجارت جهانی انجام می‌شود (Nancy, 1989: 65).

۱.۳. تجارت انرژی

ویژگی‌های تولید و مصرف انرژی، آن را از دیگر محصولات متمایز می‌کند؛ تا جایی که هیچ چیزی مانند انرژی، چنین اهمیت فوق‌العاده‌ای برای توسعه بخش‌های دیگر (هم تولید کالا و هم ارائه خدمات) ندارد. افزون بر این، در دسترس بودن انرژی و شرایط تأمین آن، تأثیر مستقیمی بر توسعه اجتماعی دارد و به دلیل اهمیت راهبردی آن، دولت‌ها از قدیم بخش انرژی را تحت نظر داشته‌اند؛ و پیش‌تر تأمین انرژی یک «انحصار طبیعی»^۱ در نظر گرفته می‌شد؛ یعنی فعالیتی که نمی‌توانست به شکل رقابتی به لحاظ تجاری اجرا گردد و تنها باید توسط شرکت انجام شود (Leal. et. al, 2018: 325).

هم‌اکنون، تولید و عرضه و نیز حمل‌ونقل آن، حق انحصاری در نظر گرفته نمی‌شود و این تصور با تکامل فناوری مدام در حال تغییر است. با توجه به اینکه برای ساخت لوله‌های گاز، سرمایه عظیمی مورد نیاز است، شبکه‌های رقابتی در بخش گاز نیز به وجود آمده‌اند. وابستگی شبکه‌های انرژی، نشان می‌دهد حذف موانع واردات، به تنهایی برای آزادسازی مؤثر تجارت انرژی کافی نیست و اقدامات اضافی دیگری نیز باید انجام شود تا بدون هیچ‌گونه تبعیضی، حق دسترسی به خط لوله حمل‌ونقل، شبکه‌های حمل‌ونقل، نظام توزیع و تسهیلات ذخیره‌سازی، برای همگان ایجاد شود.^۲

افزون بر این، وابستگی شبکه‌های انرژی، نشان می‌دهد بیشتر مسائل مربوط به تجارت انرژی از قدیم در سطح منطقه‌ای و دوجانبه انجام شده است. و تأثیر استفاده از انرژی بر محیط زیست، ارتقای بهره‌وری انرژی را به مسئله‌ای مهم تبدیل کرده است؛ به‌ویژه به دنبال تعهد

1. Natural Monopoly
2. www.iies.Org

برخی از کشورها با موافقت‌نامه‌های محیط زیست، مانند: پروتکل کیوتو و کنوانسیون‌های سازمان ملل متحد درباره تغییر آب‌وهوا (Young, 2005: 390). امنیت انرژی، از دیگر مسائل مهمی است که سبب تمایز تجارت انرژی شد؛ همچنان‌که لزوم ایجاد مقررات اضافی در سطح دوجانبه را محرز می‌نماید (Selivanova, 2016: 12). مسائل مربوط به امنیت عرضه، تعهدات خدمات عمومی، اهداف زیست‌محیطی و توسعه‌ای، باید در حین توجه به سودآوری خصوصی و بهره‌وری دنبال شوند. ساخت شبکه‌های حمل‌ونقل انرژی و کمک به امنیت عرضه و اهداف توسعه، نیازمند سرمایه‌گذاری خصوصی است.

۲.۳. دسترسی به بازار

دسترسی به بازار، همواره از اهداف اساسی موافقت‌نامه گات و سازمان تجارت جهانی بوده و به معنای دسترسی به بازار و مجموعه اقدامات و شرایط تحمیل‌شده از سوی دولت است که سبب ورود بدون تبعیض کالا و محصولات به کشورها می‌شود (امیدبخش و همکاران، ۱۳۸۵: ۳۵). مواد و محصولات انرژی، معمولاً در بازارهای صادراتی خود با مشکلات دسترسی به بازار روبرو نشده‌اند. و طبق مذاکرات اروگوئه، تعرفه‌های بالا برای هیدروکربن‌ها حذف و عوارض کاهش یافته است. هدف اصلی، امنیت عرضه انرژی است. کشورها آزاد هستند که بدون نقض قوانین سازمان تجارت جهانی، نرخ تعرفه بالاتری را اعمال کنند. در این نظریه، عوارض صادرات مانند واردات، تابع نظم و انضباط است (Selivanova, 2016: 17). کشورهای واردکننده انرژی، علاقه‌مند به دریافت محصولات و مواد انرژی به قیمت پایین هستند. عوارض صادرات اغلب مبلغ چشمگیری از درآمد دولت‌های صادرکننده را تشکیل می‌دهد. اگرچه عوارض صادرات مجاز است، اما باید مطابق با اصل دولت کامله‌الوداد باشد. در مذاکرات الحاقی، اعضای سازمان تجارت جهانی، الزام کشورهای تولیدکننده انرژی، به صفر کردن عوارض صادرات را درخواست کردند. اما این مسئله مشکلاتی را برای کشورهای دارای انرژی ایجاد کرده است؛ زیرا درآمد حاصل از عوارض، بخش اساسی بودجه دولت‌شان را تشکیل داده است. در مقابل صادرکنندگان انرژی، تصور می‌کردند مالیات داخلی بالایی (شامل مالیات غیرمستقیم) تحمیل‌شده از سوی کشورهای واردکننده محصولات نفتی از جمله بنزین، توانایی آن‌ها را برای کسب درآمد از منابع طبیعی خود تضعیف می‌کند؛ و تا زمانی که این مالیات‌ها براساس عدم تبعیض اعمال شوند، در مسیر سازمان تجارت جهانی هستند (Wilson, 2015: 85).

۳.۳. حمل و نقل

معمولاً حمل و نقل انرژی از طریق لوله و یا شبکه انتقال انجام می‌شود (برای گاز و برق). گاهی اوقات شبکه‌های حمل و نقل از کشورهای ثالث عبور می‌کنند. حمل و نقل انرژی، عامل مهمی برای تجارت انرژی بدون مرز است. حمل و نقل انرژی معمولاً به عنوان منشأ انرژی یک کشور، به این طریق انجام می‌شود: انرژی از کشور مبدأ (صادرکننده)، دست‌کم به یک کشور دوم (کشور ترانزیت) حمل می‌شود و سپس وارد کشور مقصد (واردکننده) می‌شود.

ماده ۵ گات، درباره آزادی حمل و نقل مقرر می‌دارد: «آزادی ترانزیت از طریق سرزمین هر یک از اعضا از مسیرهای قابل دسترس برای ترانزیت بین‌المللی، برای ترافیک در حمل و نقل، به و یا از سرزمین اعضای دیگر خواهد بود. ترافیک و حمل و نقل نباید در معرض هیچ‌گونه تأخیر یا محدودیت غیرضروری باشد و از حقوق گمرکی و تمام عوارض دیگر معاف است، به جز هزینه‌های ترابری، اداری و خدمات^۱». تعهد به عدم تبعیض در ماده ۵ گات، به این معناست که هر عضو سازمان تجارت جهانی، باید مطلوب‌ترین رفتار را با کالاهای ترانزیت از کشورهای دیگر داشته باشد؛ و نباید براساس پرچم کشتی‌ها، مکان مبدأ، عزیمت، ورود، خروج، مقصد و یا هر شرایط دیگر مربوط به مالکیت کالا و کشتی‌ها و یا وسائل دیگر حمل و نقل، هیچ‌گونه تفاوتی در رفتار رخ بدهد. در واقع، بسیاری از کشورهایی که در آن‌ها مشکلات ترانزیت انرژی رخ می‌دهد، هنوز عضو سازمان تجارت جهانی نیستند.

در واقع، مشکل این است که شرکت‌های قدرتمند انرژی مانع حمل و نقل هستند، نه دولت‌ها. و ماده ۵ گات، نیز تعهد مؤثری برای اعضا فراهم نمی‌کند تا مطمئن شوند شرکت‌های کنترل‌کننده خط لوله در بخش انرژی، از تعهد مندرج در این ماده پیروی می‌کنند.

ماده ۷ این معاهده، بر آزادی ترانزیت تأکید دارد و نیز قواعدی غیرالزام‌آور درباره تسهیل تأسیس خطوط لوله و انتقال سوخت دارد و نیز حاوی الزام رعایت رفتار بدون تبعیض است. اما الزامات این معاهده، قواعد ویژه‌ای برای میزان هزینه ترانزیت یا معیارهای مربوط به آن ندارد. هنوز رویه خاصی جز کنفرانس عمومی، نظارت و مذاکره در این منشور وجود ندارد که الزامات عدم تبعیض و تسهیل در ترانزیت را قابل طرح در محکمه نماید یا دولت‌ها را ملزم سازد تا نسبت به عملکرد شرکت‌های اپراتور خطوط انتقال یا خطوط لوله، رویه‌های الزام‌آوری وضع کرده یا مسئولیتی بپذیرند (Cossy, 2012: 129).

۱. ماده ۵ گات

۴.۳. خدمات انرژی

عملکرد پروژه‌های نفت و گاز، بر مدیریت پروژه توسط اپراتور، یعنی شرکتی که پروژه را برای شرکای سرمایه‌گذار اجرا می‌کند، متمرکز است. اپراتور یا (متصدی)، معمولاً برای بررسی‌های زمین‌شناسی، حفاری، حفاظت از محیط زیست، طراحی و ساخت تسهیلات تولید و اجرای تولید، برای ارائه خدمات متفاوت با شرکت‌های نفتی و مشاوره‌ای قرارداد می‌بندد و تجهیزات خود را از چندین عرضه‌کننده متفاوت خریداری می‌کند. در طول دوره توسعه بخش انرژی، وابستگی به متصدی در زمینه خدمات قراردادی افزایش یافته است (Anez, 2003: 65). بنابراین، خدمات انرژی به‌طور مستقیم بر هزینه‌های تولید انرژی تأثیر می‌گذارد؛ زیرا آن‌ها بخشی از زنجیره انرژی را از کشف یک میدان انرژی تا توزیع محصول نهایی تشکیل می‌دهند. اعضای سازمان تجارت جهانی، تعهدات اندکی را در حیطه خدمات انرژی پذیرفته‌اند که ممکن است دلایل مختلفی داشته باشد: اول اینکه، بخش انرژی برای امنیت ملی راهبردی بوده و از گذشته تاکنون تحت کنترل شرکت‌های دولتی است؛ این شرکت‌ها نیز تمایلی به ترک قدرت بازاری که در اثر موقعیت انحصاری آن‌ها انجام شده، ندارند و در برابر هرگونه تلاش برای آزادسازی مقاومت می‌کنند؛ دوم اینکه، هیچ تعریف یکسانی از آنچه با عنوان خدمات انرژی استنباط می‌شود، وجود ندارد و چندین مشکل نیز درباره تعریف خدمات انرژی وجود دارد (Mathur, 2014: 29).

۴. موانع تأثیرگذار نظامات سازمان تجارت جهانی در زمینه انرژی

۴.۱. تعرفه‌های صادرات

تعرفه‌های صادرات، ابزار قانونی سیاست‌های تجاری هستند. کشورهای صادرکننده انرژی اغلب برای ایجاد درآمد، از چنین ابزارهایی برای محصولات انرژی استفاده می‌کنند. اگرچه آن‌ها می‌توانند تعرفه‌های بسیار بالا تعیین کنند و اگر حقوق و عوارض صادرات خود را تحت شرایط الحاق به سازمان تجارت جهانی محدود کرده باشند، هیچ منعی در برابر چنین تصمیمی وجود ندارد؛ اما نمی‌توانند تبعیضی میان بازارهای صادراتی قائل شوند. بر طبق ماده ۱ گات، به هر عضو سازمان تجارت جهانی، با چنین صادراتی، باید رفتار دولت کامله‌الوداد اعطا شود؛ یعنی آن‌ها نمی‌توانند مالیات بالاتری برای یک بازار صادراتی نسبت به بازارهای صادراتی دیگر تعیین کنند. کشورهای صادرکننده انرژی که عضو سازمان تجارت جهانی نیستند، گاهی تعرفه صادرات برای بازارهای مختلف را در سطوح مختلف تعیین می‌کنند. با توجه به اینکه حقوق و عوارض صادرات تا حدی بالاست، این سیاست می‌تواند به تفاوت چشمگیری میان

قیمت مواد و محصولات انرژی در بازارهای مختلف بینجامد. کشورهایی که عضو سازمان تجارت جهانی می‌شوند، باید چنین تبعیضی را لغو کنند (Marku. et. al, 2013: 110).

۲.۴. مالیات‌های داخلی

هم‌اکنون مالیات‌های سنگین کشورهای توسعه یافته بر سوخت که با هدف حمایت از انرژی‌های نو و ملاحظات زیست‌محیطی و سیاسی-امنیتی وضع شده‌اند، مانع مهمی برای سوخت‌های فسیلی کشورهای در حال توسعه شمرده می‌شود.

درواقع، نبود تعرفه‌های گمرکی مالیات‌های داخلی کشورهای صنعتی، مانع بزرگی برای واردات هستند. مالیات وضع شده بر نفت، نسبت به سوخت‌های دیگر بالاتر است؛ و برخلاف آنچه گفته شده، ساختار مالیاتی به گونه‌ای وضع نشده که به اهداف زیست‌محیطی کمک کند. از نظر صادرکنندگان انرژی، مالیات‌های داخلی بالا که توسط واردکننده فرآورده‌های نفتی، از جمله بنزین، اعمال می‌شود، توانایی آن‌ها را برای کسب درآمد از منابع طبیعی‌شان تضعیف می‌کند. به هر حال، این مالیات‌ها زمانی در مسیر سازمان تجارت جهانی هستند که بدون تبعیض اعمال شوند (Zarilli, 2015: 98).

۳.۴. یارانه‌ها

یارانه‌ها ممکن است توسط دولت‌ها و به منظور ارتقای روش‌های کارآمد تولید انرژی استفاده شوند. از آنجاکه از نظر اقتصادی، منابع انرژی‌های تجدیدپذیر پاسخگو نیست، ایجاد طرح‌هایی برای حمایت از آن‌ها لازم به نظر می‌رسد. چنین طرح‌هایی، البته شامل فعالیت‌های صادراتی نمی‌شود، و آن‌ها تحت یک دسته از ممنوعیت یارانه جای می‌گیرند. چنانچه باور یک عضو سازمان تجارت جهانی این باشد که آثار یارانه زیان‌بار است، می‌تواند درخواست انصراف از آن را بدهد؛ و اگر تولیدکنندگان داخلی بر اثر واردات محصولات یارانه‌ای آسیب ببینند، عوارض گمرکی جبرانی وضع می‌شود. دولت‌ها می‌کوشند با تنظیم برنامه‌هایی از بخش‌های خصوصی حمایت کنند - برای مثال، تضمین مالی برای منابع انرژی که در تولید و توزیع برق فعالیت دارند- و لازمه این حمایت، آن است که خود، اداره مستقیم فعالیت‌های مالی را به عهده نگرفته و آن‌ها را به بخش خصوصی واگذار کنند که این امر اجرای مواردی است که در ماده یک موافقت‌نامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی پیش‌بینی شده است (Laprevote, et al, 2011: 104).

موافقت‌نامه دارای دو نوع مقررات تنظیم استفاده از یارانه و قانونمند کردن اقدامات کشورها برای مقابله با یارانه است. همچنین موافقت‌نامه بیان می‌کند که یک کشور می‌تواند رویه حل اختلاف سازمان تجارت جهانی را به منظور حذف یارانه یا برطرف کردن آثار

زیان آور آن به کار برد؛ یا اینکه نظام بررسی‌های خود را مستقر کرده و روی آن دسته از واردات که به تولیدکنندگان داخلی لطمه می‌زند، عوارض اضافی (عوارض جبرانی) و یارانه‌ای وضع کند.

۴.۴. قیمت‌گذاری دوگانه برای انرژی

یکی از موضوعات سیاست‌گذاری در بخش نفت، مسئله قیمت‌گذاری دوگانه است. رویه‌هایی درباره منابع طبیعی وجود دارد که به موجب آن، دولت‌ها قیمت‌های داخلی را پایین‌تر از آنچه نیروهای بازار تعیین می‌کنند، نگه می‌دارند. از آنجاکه قیمت‌گذاری دو نرخ با قوانین سازمان تجارت جهانی هماهنگ نیست، یافتن سازوکارهای قابل‌قبولی که بتوان براساس آن، قیمت‌های داخلی را کمتر از قیمت جهانی نگه داشت و دسترسی به آن را کنترل کرد، مشکلات خودش را به دنبال دارد (Stewart, 2004: 18).

موضوع قیمت‌گذاری دوگانه در مذاکرات الحاق به سازمان تجارت جهانی، جایی که از کشورهای خواهان عضویت خواسته شده تا از معرفی نظام دوگانه قیمت دست بردارند، نیز مطرح شده است. اساساً قیمت‌گذاری دوگانه برای تولید محصولات فشرده، مانند کود شیمیایی و فلزات، مطلوب است. قیمت‌گذاری دوگانه، موضوعی بحث‌برانگیز در مذاکرات الحاق کشورهای دارای انرژی به سازمان تجارت جهانی بوده و بعید است این سیاست، بتواند مغایر با قوانین سازمان تجارت جهانی باشد. هنگامی این امتیازات برای قیمت‌گذاری محصولات صادراتی اعمال می‌شود که سیاست قیمت‌گذاری دوگانه تحت قوانین سازمان تجارت جهانی ممنوع باشد؛ وگرنه به قوت خود باقی خواهد ماند (Marceau, 2010: 83).

۴.۵. قوانین فنی و معیارها

هدف موافقت‌نامه موانع فنی فرا راه تجارت، پرهیز از موانع غیرضروری تجارت، هماهنگی و همسان‌سازی مقررات فنی و رویه‌های ارزیابی مطابقت و شفافیت است. اعضای سازمان تجارت جهانی، باید قواعد فنی سایر اعضا را همچون قواعد خود به رسمیت بشناسند، هرچند با قواعد آن‌ها متفاوت باشد. نهادهای استاندارد در کشورها، باید از اصول مشابه قواعد اجباری تعیین‌شده پیروی کنند و از اعمال معیارهایی که باعث بروز آثار مخرب و غیرضروری بر تجارت می‌شوند، خودداری کنند (Matsushita, 2010: 44).

مقررات این موافقت‌نامه، به دلیل قواعد فنی پیچیده‌ای که در آن وجود دارد، می‌تواند موقعیت رقابتی آن‌ها را در دسترسی به بازار شرکای تجاری، تحت تأثیر قرار دهد؛ برای مثال، ترکیبات به کار رفته در مشتقات نفتی برای ورود به بازار کشورهای توسعه‌یافته، گاهی با موانع

فنی این کشورها روبه‌رو می‌شود. موافقت‌نامه محدودیت‌های فنی تجارت، می‌کوشد با ایجاد مقررات، معیارها، روش‌های آزمایش و صدور گواهی، باعث ایجاد موانع غیرضروری نشود. این موافقت‌نامه، حقوق کشورها را برای پذیرش معیارهایی که آن‌ها مناسب تشخیص می‌دهند، به رسمیت می‌شناسد (Pogoretsky, 2016: 121).

افزون بر این، بسیاری از این قوانین، مربوط به حمل‌ونقل محصولات انرژی هستند. در این موافقت‌نامه، ابهاماتی نیز وجود دارد؛ برای مثال، روشن نیست که آیا موافقت‌نامه موانع فنی فرا راه تجارت، در مقررات فنی و معیارهای مربوط به تولید هم اعمال می‌شود؟ یا اینکه موافقت‌نامه به دلایلی در مورد قانون منع واردات آلومینیوم تولیدشده با استفاده از برق حاصل از انرژی هسته‌ای اعمال نمی‌شود؛ یا محدودیت‌هایی که در فروش برق ایجادشده توسط نیروگاه‌های هسته‌ای وجود دارد. در این موارد، روش‌های تولید بر خصوصیات فیزیکی محصول نهایی تأثیر نمی‌گذارد (Cotter, et al, 2015: 155).

۴.۶. سرمایه‌گذاری

موافقت‌نامه اقدامات سرمایه‌گذاری مربوط به تجارت، به تدابیری که تجارت کالا را تحت تأثیر قرار می‌دهد، اختصاص دارد. و اقداماتی را که به محدودیت و بی‌نظمی تجاری انجامیده است، مشخص می‌کند و تأکید دارند که هیچ عضوی نمی‌تواند اقداماتی را که برای خارجی‌ان (کالاهای خارجی تبعیض‌آمیز باشد، به اجرا گذارد (یعنی از اصول رفتار ملی در گات تخلف کند) و آن دسته از اقدامات سرمایه‌گذاری را که به محدودیت‌های مقداری بینجامد، غیرقانونی اعلام می‌کند. همچنین موافقت‌نامه یادشده، اقداماتی که واردات شرکت را محدود و یا اهداف شرکت برای صادرات را معین می‌نماید، منع می‌کند. «الزامات موازنه تجاری»، یعنی کشورها بایستی سازمان تجارت جهانی و اعضای آن را، از همه تدابیر سرمایه‌گذاری که مطابق با موافقت‌نامه مذکور نیستند، مطلع سازند (Timothy, 2016: 116).

۵. سازمان تجارت جهانی و عدم پوشش مسائل تجاری نفت و انرژی

با وجود پیشرفت‌های انجام‌شده و اینکه سازمان تجارت جهانی نسبت به موضوعات انرژی منعطف‌تر شده است، هنوز پاره‌ای مسائل حل‌ناشده باقی مانده است؛ از جمله اینکه تاکنون تعریف حقوقی از واژه انرژی ارائه نشده است و در نتیجه، تعریفی از تجارت کالا و خدمات انرژی در حوزه موافقت‌نامه گات و تجارت خدمات وجود ندارد. تردیدهایی درباره شیوه طبقه‌بندی انرژی وجود دارد که آیا انرژی در شمار خدمات است یا کالا؟ چنین تمایزی نباید

دست‌کم گرفته شود؛ زیرا نحوه برخورد موافقت‌نامه‌های گات و موافقت‌نامه‌های عمومی تجارت خدمات درباره این مسئله متفاوت است (فاتح و حسینی صدرآبادی، ۱۳۹۵: ۳۱۴).

تجارت نفت با مسائل پیچیده‌ای مرتبط است که سازمان تجارت جهانی نمی‌تواند به سادگی آن را در کنترل خود درآورد. نفت، از یک‌سو با سرمایه‌گذاری خارجی مرتبط است که نمی‌توان آن را از حقوق سرمایه‌گذاری جدا کرد و از سوی دیگر، کالایی تجدیدنپذیر است که استفاده بی‌رویه از آن از طریق تسهیل صادرات، نابودی این منابع را پرشتاب‌تر می‌کند؛ بدون اینکه جایگزین مناسبی برای آن وجود داشته باشد (Huttner, et al, 2010: 164).

در سال ۲۰۰۶، گروهی از واردکنندگان و صادرکنندگان عمده انرژی، درخواستی رسمی به سازمان تجارت جهانی ارائه دادند که براساس آن ضمن پذیرش حقوق دارندگان ذخایر انرژی، از سازمان می‌خواست ترتیباتی را مقرر سازد تا براساس آن، کشورهای درحال توسعه موظف باشند بازارهای خود را برای تجارت آزادتری در زمینه انرژی در مبادلات جهانی بگشایند. محور اصلی چنین پیشنهادی بر دو مفهوم پذیرش مالکیت بر منابع طبیعی و الزام سرمایه‌گذاران به رعایت تعهداتی خاص استوار بود. به باور پیشنهادکنندگان، از آنجاکه برخی خدمات بخش انرژی از طریق ذخایر انرژی فرامرزی به دست می‌آیند، لازم است محدودیت‌های اساسی در دسترسی به بازار این محصولات کاهش یابد. همچنین لازم است پیش‌شرط ضرورت حضور طرف‌های تجاری در مذاکرات از میان برداشته شود و لازم است تعهدات از سوی کشورها، تنها در زمانی که به لحاظ فنی توسط آن‌ها قابل اجرا هستند، ایجاد شوند (شهبازی، ۱۳۸۸: ۲۸۷).

از آنجاکه این مسائل تاکنون فاقد دستورالعمل مشخص و قابل‌قبولی از سوی تمامی تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان عمده بخش انرژی است، مانعی در سازمان تجارت جهانی و پوشش مؤثر مسائل تجاری نفت و انرژی شده است. پیگیری مسائل نفت به‌طورخاص و انرژی به‌طور عام، در موافقت‌نامه‌ها و سازمان‌های بین‌المللی دیگر، مانند اوپک، آژانس بین‌المللی انرژی، منشور انرژی و معاهدات چندجانبه مثل نفت، نشان می‌دهد جامعه جهانی، قوانین سازمان تجارت جهانی را محل مناسبی برای نفت و انرژی نمی‌داند (Tobias, 2015: 54).

نتیجه

قوانین و مقررات سازمان تجارت جهانی، روابط میان اعضای آن را کنترل و تنظیم می‌کند. تجارت انرژی را می‌توان یکی از مهم‌ترین بخش‌های تجارت، در حوزه عمل سازمان تجارت جهانی به‌شمار آورد؛ زیرا شامل بزرگ‌ترین مواد اولیه تجارت جهانی به لحاظ حجم و ارزش می‌شود.

اگرچه قوانین سازمان تجارت جهانی، برای تجارت انرژی کاربرد دارد؛ اما به طور خاص، برای مشکلات تجاری فرامرزی در بخش تجارت انرژی طراحی نشده‌اند؛ برای مثال، موضوعات مربوط به شیوه‌های محدودکننده عملکردهای انحصاری شرکت‌های سرمایه‌گذاری و مزایایی که برای خود قائل هستند و مشکلات حمل‌ونقل در قوانین تجارت چندجانبه به صورت قابل توجه مدنظر قرار نگرفته‌اند. افزون بر این، چارچوب سرمایه‌گذاری جامعی نیز در آن وجود ندارد.

بنابراین، در آینده نزدیک، انرژی تبدیل به برنامه مورد بحث مذاکرات چندجانبه سازمان تجارت جهانی خواهد شد؛ با این فرض که قوانین جاری این سازمان، تمام نیازهای تجارت امروزه انرژی را دربرنمی‌گیرد. پیامدهای مذاکرات بر خدمات انرژی که فراتر از مفاد گات است، می‌تواند تأثیر بسزایی بر سیاست‌های انرژی تمام کشورها داشته باشد؛ به ویژه بر سیاست انرژی کشورهایی که به دنبال تعیین راهبرد توسعه بر منابع انرژی خود هستند. تمام کشورهای توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته، صادرکننده و واردکننده انرژی، باید پیامدهای احتمالی سیاست‌های بخش انرژی و تأثیر آن بر وضعیت کلی رقابت در تجارت بین‌الملل را با توجه به هر یک از موارد مطرح در دستور جلسه مذاکرات توافق‌شده دوحه، مورد بررسی قرار دهند.

ضرورت طرح مسائل مرتبط با بخش انرژی در سازمان تجارت جهانی، نیازمند تأملی جدی در صورت‌های مختلفی است که به ایجاد مقرراتی در سازمان تجارت جهانی یا امکان و چگونگی تسری قواعد موجود در سازمان بر بخش انرژی اشاره می‌کنند. روشن است که چنین فرایندی، نیازمند مذاکره و مناظرات متعدد و در نهایت دستیابی به توافقی در میان اعضای سازمان است.

عدم قطعیت و بی‌ثباتی بازار انرژی به طرح دغدغه‌های جدی با عنوان ضرورت تأمل در مقوله امنیت انرژی، چه از سوی صادرکنندگان و چه از سوی واردکنندگان انرژی، در صحنه بین‌المللی انجامیده است. با این حال، همچنان سیاست‌های مبتنی بر منافع ملی واردکنندگان بخش انرژی و از سوی مقابل، اصرار بر حاکمیت نسبت به منابع طبیعی روبه‌تمام از سوی عمده‌ترین عرضه‌کنندگان بخش انرژی، ناهماهنگی در میان اعضای سازمان تجارت جهانی در این مقوله، مذاکرات پیوسته اما بی‌فرجام و جدول زمانی بلندمدت پیش رو و رویه اندک شکل‌گرفته از سوی هیأت تصمیم‌گیری سازمان در این حوزه، همچنان شفافیت لازم در پیوند میان بخش انرژی و تجارت در سازمان تجارت جهانی و حقوق و تعهدات دولت‌ها در این زمینه را در هاله‌ای از ابهام قرار داده است.

می‌توان گفت یک موافقت‌نامه جامع در زمینه انرژی، به گونه‌ای که هر دو شکل کالا و خدمت را دربر بگیرد، می‌تواند ساختار موجود موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی را از

وضعیت بدون استفاده و مصنوعی که در بخش انرژی دارد، خارج سازد و کارایی و اثربخشی بیشتری به مقررات سازمان تجارت جهانی ببخشد.

منابع

الف) فارسی

۱. امیدبخش، اسفندیار و همکاران (۱۳۸۵). سازمان تجارت جهانی: ساختار، قواعد و موافقت‌نامه‌ها. تهران، شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
۲. شهبازی، آرامش (۱۳۸۸). «پیوند میان بخش انرژی و مقررات سازمان جهانی تجارت». *مجله مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی*، شماره ۱۶، ص ۲۸۷.
۳. فاتح، علی؛ حسینی صدرآبادی، ایرج (۱۳۹۵). «رویکرد سازمان تجارت جهانی نسبت به انرژی تجدیدپذیر». *مطالعات حقوق انرژی*، شماره ۲، ص ۳۱۴.

ب) خارجی

4. Anez, c (2003). "the trade of technical Services for Oil and Gas Exploration and Production: Observations by and Old Venezuelan Contractor". in *Energy and Environmental Services: Negotiating Objectives and Development Priorities*, UNCTAD, United Nations, New York, US, Geneva, Switzerland. P.65.
5. Cotter, T. et al (2015). "Energy in WTO Law and Policy". *NCCR Trad Regulation Working Paper 25No.*, avalibal at <http://phasel.nccr-trade.org/images/stories/project/ip6%20Work ing%20paper.Pdf>.p155
6. Cossy Mireille (2012). "EnergyTrade and WTO Rules: Reflexions on Sovereignty over Natural Resources, Export Restrictions and Freedom of Transit". *European Yearbook of International Econimic*, P.129.
7. Huttner David; Alhaji (2010). "OPEC and other Commodity Cartels: A Comparison". *Energy policy*. No. 15. P.164.
8. Hochman, Gal; David, Zilberman (2015). "The Political Ecinimy of OPEC". *Energy Economics*, 48: p.203.
9. Leal- Arcas, Rafael. et al (2018). *Commentary the Energy Charter Treaty*. Edward Elgar, UK, p.325.
10. Laprevote Francois-Charleas; Sungjin Kang (2011). "Subsides Issues in the WTO AnUpdate". 10 (3), p.104.
11. Selivanova, Yulia (2016). "the WTO and Energy". *WTO Rules and Agreements of Relevance to the Energy Sector*, Energy Charter Secretariat. 5. P.17.
12. Marhold, Anna (2013). *The World Trade Organization and Energy*. Fuel for Debate. European Society of International Law.
13. Marku, S, W (2013). "Gehring et al,Climate Change and Sustainable Energy Measure in Regional Trade Agreements". (RTAs), *ICTSD Issue Paper No. 3*,Geneva, p. 4. At: <http://www.ictsd.org/themes/climate-andenergy/research/climate-change-and-sustainable-energy-measures-in-regional-trade>" (accessed) 23. 7, 2014, p.110.
14. Matsushita, Mitsuo (2010). "Governance of International Trade under World Trade Organization Agreements-Relationships between World Trade Organization Agreements and Other Trade Agreements". ProQuest. *Journal of World Trade*, p.44.
15. Nancy, D, S (1989). "Natural Resource Pricing Policies and the international Trading System". *Harvard international law journal*, winter 30(1): p.635.
16. Stewart, T, P (2004). *the GATT Uruguay Round: A Negotiating History (1999- 2004)*, p.18.
17. Tocoa-Vielma, J (2003). "Defining Energy Services for the GATS: An issue under Discussion". in *Energy and Environmental Services: Negotiating Objectives and Development Priorities*, UNCTAD, United Nations, New York, US, Geneva, Switzerland, p.34.

18. Timothy, Meyer (2016). *Explaining Energy Disputes at the World Trade Organization*. American Society of International Law, 106,389,394.
19. Tobias, Peter (2015). "World Trade Organization (WTO) in Frauke Lachenmann and Rudiger Wolfrum (Eds) International Economic Law". *The Max Planck Encyclopedia of public thematic series vol. I*, Oxford University press, p.54.
20. Pogoretsky, Vitality (2016). *Energy dual pricing in international trade: subsidies and anti-dumping perspectives: Regulation of Energy in WTO and Energy Charter*. Kluwer International Law. Online version: Available <http://www.papers.ssrn.com>. Last visited 30 Jun 2017, p.121.
21. Gibbs, M (2003). "Energy Services, Energy Policies and the Doha Agenda". in *Energy and Environmental Services: Negotiating Objectives and Development Priorities*. UNCTAD, United Nations, New York, US, Geneva, Switzerland, p.83.
22. Mathur, Sajal, (2014). *Trade, the WTO and Energy Security*. P.44.
23. Yong, Alwyn (2005). "Learning by Doing and the Dynamic Effect of International Trade". *Journal of Economics*. 106: PP.369-405.
24. Wilson, J. D (2015). *Multilateral Organization and the Limits to International Energy Cooperation*. Asian studies Review, 38(1). P.85.
25. Wald, T; A, JGunt (2012). *International Energy and access to energy network*. p.125.
26. Zarilli, S (2015). *International Trade in Energy Service and the Developing Countries*. P.98.
27. www.ies.org
28. www.opec.org/English/res/e/statis/e/its2015/web/2335.htm